روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۴۹۱۹ | دوشنبه ۵ مهر ۱۳۹۵ | ۲۴ ذیحجه ۱۴۳۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۶ |
غروب آفتاب: ۱۷:۵۵ | اذان مغرب: ۱۸:۱۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۴ | اذان صبح فردا: ۰۴:۳۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۶

دریچه | جواد محرمی

واکنش محمد بهشتی به دلواپسی از ارسال دارایی موزه هنرهای معاصر به اروپا

دلخوشی به برجام برای رفع نگرانی از احتمال بازپس‌ندادن آثار هنری

در حالی که هنوز تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به واسطه برجام فقط روی کاغذ لغو شده است، اما دلخوشی به آن هنوز در میان برخی مدیران ارشد دولتی وجود دارد. امضای تفاهمنامه میان موزه هنرهای معاصر با موزه‌های برلین و رم برای نمایش بخش مهمی از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در این شهرها که در پاییز سال ۹۴ صورت گرفت، از همان زمانی که رسانه‌ای شد، موجی از نقد و نظرها را به همراه داشت. در این سفر قرار است ۳۰ اثر از گنجینه خارجی موزه هنرهای معاصر و ۳۰ اثر از گنجینه آثار ایرانی راهی برلین و رم شود. عده‌ای معتقدند هنوز «برجام» به سرانجام نرسیده و امکان باز پس ندادن آثار از سوی این کشورها به دلیل تحریم‌ها به قوت خود باقی است.

محمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری روز گذشته در نامه‌ای نسبت به نگرانی هنرمندان واکنش نشان داده است.

پیش از این، مدیر کل هنرهای تجسمی اطمینان داده بود قراردادی که با موزه برلین برای سفر بخشی از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران بسته شده است، ضمانت دولت آلمان را دارد، اما ابهامات موضوع ارسال دارایی‌های موزه معاصر به اروپا به قدری زیاد است که افرادی چون لیلی گلستان و بهنام کامرانی نیز حاضر نشدند به عنوان کارشناس در انتخاب آثار ارسالی با دولت مشارکت کنند. معصومه مظفری، رئیس انجمن هنرمندان نقاش در این باره گفته است: «در نشست‌های متوالی با رئیس موزه هنرهای معاصر، ایشان قول داده بود نه تنها اسامی آثار گنجینه را روی سایت قرار می‌دهد، بلکه آثاری که قرار است برای این تور انتخاب شود نیز اعلام می‌شود. امروز موزه آثار خارجی را انتخاب کرده اما آنها را معرفی نمی‌کند. چندین بار از رئیس موزه هنرهای معاصر خواستیم در یک نشست با نمایندگان انجمن‌های هنرهای تجسمی تمام مواردی را که ابهام ایجاد کرده، توضیح دهند و بگویند چه آثاری قرار است ببرند و چه زمانی این تور به پایان می‌رسد و آثار دوباره به موزه برمی‌گردد؟»

شفاف نبودن قراردادهای منعقد شده نکته دیگری است که به ابهامات می‌افزاید. این مسئله در دولتی که با ژست حقوقدانی روی کار آمده، قابل تأمل به نظر می‌رسد.

نکته دیگر در این ماجرای به ظاهر ساده این است که آثار خارجی گنجینه موزه هنرهای معاصر پیش از انقلاب و توسط خاندان پهلوی خریداری شده است. هر چند این آثار جزو دارایی ملی محسوب می‌شود، اما همین مسئله دلیل دیگری برای تأمل برخی‌ها روی این موضوع است که رابطه خوب دولت‌های غربی با بازماندگان خاندان پهلوی می‌تواند دارایی‌ها را با خطر توقیف مواجه کند؛ مسئله‌ای که بی‌سابقه نیست. چندی پیش دولت امریکا درست چند ماه پس از امضای برجام و طی پروسه‌ای که آن را قانونی می‌خواند بار دیگر دارایی‌های ایران را در امریکا توقیف کرد.

سازمان میراث فرهنگی قرار است طبق قراردادی که با اروپایی‌ها انعقاد کرده مبلغی را هم دریافت کند. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا اجاره دادن این گنجینه برای ۵ میلیون یورو درآمد به ریسک آن می‌ارزد؟ از طرف دیگر نحوه دریافت این مبلغ نیز با ابهام روبه‌رو است؛ چراکه طبق گفته‌های علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در شرایط فعلی، موزه یک نهاد دولتی است و هر درآمدی که داشته باشد باید به خزانه دولت برگردد. محمد بهشتی طی نامه‌ای که دیروز منتشر کرد، درباره اظهارات برخی هنرمندان در خصوص جایگاه موزه برلین که مبدأ سفر گنجینه موزه هنرهای معاصر به اروپا اعلام شده، نوشته است: من در شناخت این موزه‌های هنری تخصص لازم را ندارم، اما امیدوارم وسواس‌های بایسته رعایت شده باشد، زیرا این مبدأ برای تور نمایشگاهی اهمیت بسیار دارد، در عین حال بدیهی است اطمینان خاطر دادن به هنرمندان و متقاعد کردن آنان بسیار ضروری است. بهشتی در بخش دیگری از نامه خود از ارسال آثار موزه هنرهای معاصر به اروپا به عنوان تبادل فرهنگی و هنری یاد کرده است. این در حالی است که برجام به عنوان یک سند بین‌المللی همچنان از سوی طرف‌های غربی در عمل محل اعتنا قرار نمی‌گیرد و در جریان مبادلاتی از این دست همواره منافع ایران مورد لطمه واقع می‌شود.

یادداشت | فرهاد اصلانی

تماشای این نمایش ماندگار را از دست ندهیم

در ایام دفاع مقدس همزمان با سالروز گرامیداشت هشت سال دفاع مقدس هستیم و در حوزه‌های مختلف هنری آثاری توسط هنرمندان کشور در معرض دید عموم قرار گرفته است، یکی از عرصه‌های مهم که تأثیر بسزایی در ثبت رخدادهای ارزشی می‌تواند داشته باشد، هنرهای نمایشی است، هنری که در طول سال‌های متمادی همواره از سوی مسئولان عالی کشور در حمایت‌های مادی و معنوی، کاستی‌های فراوانی داشته است.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هنرمندان این عرصه کوتاهی مسئولان است و یکی از سؤالات پر شمارشان استقبال نکردن تصمیم‌گیرندگان کشوری و لشکری از آثار نمایشی روی صحنه است. در شرایطی که بسیاری از هنرمندان تئاتر دفاع مقدس جذب جذابیت‌های سینما و تلویزیون شده‌اند و صحنه این ژانر نمایش را به نسل‌های بعد از خود سپرده‌اند، هستند کسانی که بدون توجه به برنامه‌ریزی غلط و بدون پشتوانه مسئولان، به‌صورت خودجوش، به ثبت تاریخ واقعیت‌ها جنگ می‌پردازند، هنرمندانی که معتقدند، همچنان این روایت تا امروز ادامه دارد، روایتی از دفاع و مقاومت سربازانی که گمنام مانده‌اند.

بی‌شک جرقه‌هایی در این عرصه به صورت جسته و گریخته وجود دارد، جرقه‌هایی که سالی بود و سال دیگر بودنش نامعلوم است؛ جشنواره‌هایی که چند سال بودجه‌هایش به شناسایی استعدادها صرف و چند سال بعد متوقف شد.

با این همه پیشنهاد من و کسانی که کمی دغدغه توجه به هنر و هنرمند را داریم، فقط در یک سطر خلاصه می‌شود؛ نمایشی که با نام امام هشتم، آقا امام رضا(ع) آغاز شده است و با هفته گرامیداشت دفاع مقدس جانی دوباره می‌گیرد را فقط نظاره‌گر باشید؛ داستان سربازانی پاک باخته را که گمنام به خاک وطن پیوسته‌اند... نمایش «سردار» که این شب‌ها در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. شاید تماشای این نمایش برای مسئولان کشور به ویژه مدیران عالی رتبه حوزه فرهنگی، صدا و سیما و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن آنکه ایشان را از فضای شلوغ کاری دور می‌کند و به دوران شیرین دفاع - که همچنان ادامه دارد - می‌برد، دلگرمی باشد به آنها که خالصانه و بدون چشمداشت این عرصه هنری و این ژانر مهم را برای خدمت به هنر نمایش کشور انتخاب کردند. تماشای این نمایش، لذت تنفس در هوای خالص و پاک مردانی از جنس روح‌الله است که هنوز هم در جامعه ما هستند و نفس می‌کشند.

موضع عجیب وزارت آموزش‌وپرورش درباره حذف شهید فهمیده از کتاب‌های درسی

حمله به «رهبر کوچک» با تانک تدبیر!

■ محمدرضا بیهقی

محمد حسین فهمیده از کتاب درسی ششم ابتدایی حذف شد. در حالی که وزارت آموزش و پرورش این کار را صرفاً جابازکردن برای حضور شهدای دیگر مانند زین‌الدین و همت عنوان کرده است، اما شواهد نشان‌دهنده آن است که این حذف به سادگی‌ای که آموزش و پرورش بیان می‌کند، نیست و سرنخ‌های دیگری نیز وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

■ محرمانه تل آویو

گفته می‌شود در تحریک صدام حسین برای حمله به ایران، دولت‌های غربی از جمله امریکا و نیز رژیم صهیونیستی دست داشته‌اند که اسناد تازه منتشر شده دولت امریکا نیز این موضوع را تأیید می‌کند. رژیم صهیونیستی برنده دعوای میان کشورهای مسلمان در تثبیت حکومت نامشروع خود در منطقه هرچه بر این درگیری‌ها دامن بزنند، جایگاه خود را مستحکم‌تر می‌کند. اکنون نیز که دولت‌های مرتجع عربی با این رژیم روابط آشکاری را شروع کرده‌اند، بزرگ‌ترین نگرانی آنها جبهه مقاومت در منطقه خواهد بود؛ مقاومتی که نیروهایش به عملیات استشهادی افتخار می‌کنند و با این گونه عملیات‌ها ضربه‌های مهلکی بر پیکر ارتش رژیم صهیونیستی وارد کرده‌اند. ترس رژیم صهیونیستی از عملیات استشهادی موضوع آشکاری است. تدابیر شدید امنیتی کابینه صهیونیست‌ها و دستور مستقیم نتانیاهو در تبعید خانواده شهدای استشهادی و تخریب خانه آنها باعث نشده است تا این گونه عملیات‌ها متوقف شود. نتانیاهو در سخنرانی اخیرش در سازمان ملل نیز به آموزش‌هایی که باعث می‌شود یک نوجوان به سمت شهادت‌طلبی پیش برود، اشاره و نسبت به آن ابراز نگرانی کرد. غربی‌ها به منظور جلوگیری از ادامه عملیات استشهادی به دنبال ریشه‌های فرهنگی و معرفتی این گونه عملیات‌ها رفتند و مأموری از سازمان CIA ریشه‌های این نوع عملیات را در ایران پیدا می‌کند؛ سرنخی که همه ایرانی‌ها با نام وی آشنا هستند. در دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) پیامی صادر می‌کنند؛ پیامی که در آن جمله‌ای تاریخی وجود دارد، امام(ره) می‌فرمایند: «رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ‌تر است، با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید.»

حسین فهمیده با عملیات استشهادی و پیام تاریخی امام خمینی(ره) به اسطوره‌ای از شهادت طلبی و ایثار تبدیل می‌شود. در سال ۷۵ جوانی لبنانی با نام علی منیف الاشمر با عملیات استشهادی پایگاه ارتش اسرائیل را منهدم می‌کند. چند سال بعد پدر شهید الاشمر به ایران می‌آید و در دیدار با پدر شهید فهمیده به وی می‌گوید پسرش شاگرد حسین فهمیده است. یک مقام ایرانی نیز در سفری به لبنان به دیدار خانواده این شهید می‌رود و در این دیدار نیز پدر شهید الاشمر باز هم این جمله را تأکید می‌کند که «علی الاشمر شاگرد حسین فهمیده است.»

اواسط دهه ۸۰، رابرت بایر افسر ارشد CIA در خاورمیانه به ایران سفر می‌کند و در این سفر به نماز جمعه می‌رود، سری به مرقد امام خمینی(ره) می‌زند و به دیدار خانواده شهید فهمیده می‌رود. در این دیدار بایر هرچه تلاش می‌کند شهادت حسین فهمیده را عملیاتی انتحاری عنوان کند با مخالفت خانواده فهمیده روبه‌رو می‌شود و آنها بر شهادت حسین و مفهوم شهادت تأکید می‌کنند. بایر مشاهدات خود را در قالب کتابی منتشر می‌کند و گفته می‌شود همین کتاب یکی از منابعی است که صهیونیست‌ها در بررسی ریشه‌های شهادت‌طلبی از آن استفاده کرده‌اند. از نظر اسرائیلی‌ها تفکر حسین فهمیده و الگو بودن این نوجوان شهید ایرانی، ریشه همه عملیات‌های استشهادی است و از همین رو باید با چنین تفکری مبارزه کرد.

یادداشت‌نویس اسرائیلی تأکید می‌کند: «یک توافق (هسته‌ای) سازنده با روحانیون (ایران) نیازمند تغییر اساسی کتاب‌های درسی مدارس و (همچنین تغییر) رویکردها و تاکتیک‌هاست»

روزنامه اسرائیلی «اسرائیل هیوم» (Israel hayom) در ۱۸ سپتامبر امسال با انتشار یادداشتی به مسائلی چون برنامه هسته‌ای کشورمان و برنامه‌های آموزشی می‌پردازد. در بخشی از این یادداشت نقل قولی از الداد پاردو استاد دانشگاه عبری که تحقیقی ۱۱ ساله روی کتاب‌های درسی مدارس ایران انجام داده است، آمده که در آن، درس «رهبر کوچک» مقطع ششم ابتدایی را ترویج جنگ و آماده‌سازی دختران و پسران ایرانی برای مبارزه با دشمنان انقلاب و شهادت بیان می‌کند و خواستار حذف این برنامه درسی می‌شود. یادداشت‌نویس اسرائیلی در نهایت تأکید می‌کند: «یک توافق (هسته‌ای) سازنده با روحانیون (ایران) نیازمند تغییر اساسی کتاب‌های درسی مدارس و (همچنین تغییر) رویکردها و تاکتیک‌هاست. توافقی بدون چنین تغییراتی می‌تواند شمارش معکوس را برای آغاز اولین جنگ اتمی شروع کند.»

■ رئیس‌جمهور خشونت را دوست ندارد

چند روز بعد از تحلیل روزنامه اسرائیلی درباره کتب آموزشی و سیستم آموزشی کشورمان، دکتر روحانی، رئیس‌جمهور در مراسم آغاز سال تحصیلی ۹۵-۹۶ سخنرانی مبسوطی درباره مبارزه با خشونت انجام می‌دهد و می‌گوید مدرسه نباید محیط اوهام، خرافات و خشونت باشد. روحانی طبق سنتی که چند سالی است باب شده پرسش مهر امسال را این گونه مطرح می‌کند که خشونت از کجا نشئت گرفته است؟ چگونه عده‌ای خشونت را می‌آموزند؟ در برابر خشونت چگونه باید ایستادگی کرد؟ چگونه می‌توانیم کشور و جامعه‌ای دارای رحمت اسلامی و نبوی داشته باشیم؟ و چگونه می‌توانیم جوامع منطقه و جهان را از خشونت برهانیم؟ آیا از نظر رئیس‌جمهور یا وزارت آموزش و پرورش شهادت‌طلبی حسین فهمیده نوعی خشونت است؟ تأکید روزنامه اسرائیلی برای حذف این درس و برای رسیدن به توافق امریکا با ایران نوعی باج‌خواهی به شمار نمی‌رود؟ یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که دولت با ارائه لایحه «الحاق ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد به کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه» شرایط را برای ممنوعیت به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال (نوجوانان) در درگیری‌های مسلحانه (احتمالاً در کشور با ثباتی مانند ایران تنها درگیری مسلحانه جنگ با دشمن متجاوز خواهد بود) به تصویب برساند، لایحه‌ای که گفته می‌شود تأثیر منفی روی نیروی بسیج، آموزش دفاعی نوجوانان که از دستورات دینی است و همچنین بحث آمادگی عمومی برای دفاع از کشور خواهد داشت.

■ آموزش و پرورش توضیح می‌دهد

وزارت آموزش و پرورش بعد از چند روز سکوت بالاخره موضع خود را درباره حذف درس «رهبر کوچک» اعلام کرد. حجت‌الاسلام بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور در واکنش به انتقادها درباره حذف حسین فهمیده از کتب درسی می‌گوید: برخی دوستان ما در بیرون عجول هستند و دقت نمی‌کنند. برنامه‌ریزی درسی را مطابق با سیاستگذاری‌های تعلیم و تربیت انجام می‌دهیم. در سال‌های گذشته در پایه ششم درسی تحت عنوان رهبران کوچک در کتاب تعلیمات دینی داشتیم چون می‌خواستیم بحث ایثار و شهادت را در کتاب تعلیمات دینی دنبال کنیم، به این نتیجه رسیدیم که این عنوان مناسب نیست!

این مسئول دولتی که معتقد است درس حسین فهمیده برای نوجوانان ایرانی مناسب نیست! می‌افزاید: عنوان این درس را به «سرزمین سبز» تغییر داده‌ایم و مباحثی را که در این داستان‌واره مربوط به شهید فهمیده بود، حذف کردیم و به زندگی شهید همت و شهید زین‌الدین پرداختیم. در درس سرزمین سبز به اردوهای راهیان‌نور و همچنین به شهدای هفدهم شهریور اشاره شده است. تأکید ما این بود که بگوییم انقلاب از شهرها تا مرزها را در بر گرفته است.

محمدیان این وعده را هم داده است که سال آینده در پایه هفتم حسین فهمیده در موضوع بسیج دانش‌آموزی و شهدای شاخص اضافه خواهد شد! این سخنان در حالی بیان می‌شود که این مسئول به دلیل نامطلوب بودن حسین فهمیده در کتب سال ششم و مطلوب شدن حضور وی در سال هفتم اشاره نکرده است و چطور می‌شود آنقدر ظریف عمل کرد که یک موضوع ارزشی به ناگهان برای گروه سنی ۱۲ ساله‌ها بد می‌شود و بعد از اعتراض‌ها ناگهان برای سال بعد وعده گنجانده شدن همان موضوع در کتب درسی داده می‌شود. یکی از اصول ابتدایی طراحی و تدوین کتب درسی توجه به روانشناسی گروه‌های سنی است. سال‌های متمادی افسانه‌ای هلندی به نام پتروس فداکار در کتاب فارسی دبستان برای نشان دادن فداکاری یک نوجوان جهت حفظ جان دیگران گنجانده شده بود، چون گروه‌های سنی بهتر از هر گروه دیگری با همسالان خود ارتباط برقرار می‌کنند و الگو می‌گیرند. اینکه حذف حسین فهمیده را بهانه‌ای برای حضور سایر شهدای سرافراز و شاخص دفاع مقدس در کتب درسی نیز بنامیم، چیزی جز ظلم در حق شهدا نیست. شهید فهمیده از نظر امام خمینی(ره) رهبر همه مردم ایران است، حال چطور وزارت آموزش و پرورش به این اجتهاد رسیده است که آموزه‌های این شهید برای نوجوانان ایرانی نامناسب است؟

در شرایطی که در سال‌های اخیر بحث دفاع از حرم اهل‌بیت(ع) و شهدای مدافع حرم بار دیگر باعث شده تا عطر شهادت در فضای کشور بپیچد، برنامه‌ریزی برای تضعیف آموزه‌های شهادت‌طلبی و ایثار در کتب درسی مسئله‌ای تأسف‌آور و قابل تأمل است. البته شنیده‌های «جوان» حکایت از امکان بازگشت دوباره درس «رهبر کوچک» به کتاب ششم ابتدایی دارد. این اقدام و حتی عذرخواهی آموزش و پرورش از اشتباه صورت گرفته می‌تواند زمینه را برای جبران خسارت روحی و روانی حذف بی‌دلیل حسین فهمیده و همچنین ناامیدی دشمنان انقلاب از پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی‌شان در ایران موجب شود. برای نوجوانان فهمیده قابل فهم‌تر از شهدای دیگر است و قابلیت الگو شدن وی نباید از نظر دور شود. جنس او دانش‌آموز است و بنابراین بهتر است خود برای دانش‌آموزان الگو باشد. شهدای دیگر برای اقشار و سنین دیگر قابلیت الگو شدن دارند.

صدور رأی دادگاه بدوی به نفع «رستاخیز»

سینما

چندی قبل دست‌اندرکاران تولید «رستاخیز» از شکایت در خصوص اکران نشدن این فیلم خبر داده بودند و حالا یک مقام ارشاد از صدور رأی به نفع «رستاخیز» خبر داده است.

لادن حیدری، مدیر کل دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به «ایرنا» گفت: دادگاه بدوی روز شنبه (سوم مهرماه) به نفع فیلم سینمایی رستاخیز ابلاغیه داد.

لادن حیدری افزود: امروز رأی بدوی دادگاه ورود خسارت به نفع فیلم «رستاخیز» ابلاغ شده است، ولی هنوز میزان خسارت آن اعلام نشده است. وی تأکید کرد: اکنون دیوان عدالت اداری ورود خسارت به این فیلم را تأیید کرده است و اگر در دادگاه تجدیدنظر همین رأی تأیید شود، دادگاه‌های عمومی باید درباره میزان خسارت تصمیم‌گیری و رأی صادر کنند. حیدری اظهار کرد: پرونده‌های مطرح در این زمینه

در دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری می‌شود و مسئولیت پیگیری این پرونده نیز با سازمان امور سینمایی است و حمایت‌های حقوقی نیز از سوی این دفتر انجام می‌شود.

راه سعادت

حکمت ۹۱

إِنَّ هَـذِهِ الْقُلُـوبَ تَمَلُّ كَمَـا تَمَلُّ الأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكَمِ.

همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادابی دل‌ها، سخنان زیبای حکمت‌آمیز را بجویید.

نما | حسین کشتکار

نگاهی به فیلم «یتیم‌خانه ایران» به بهانه نمایش در جشنواره فیلم مقاومت

پرداخت سینمایی به موضوع ناب تاریخ کشور

■ صابرالله دادیان

«یتیم‌خانه ایران» از خیلی جهات فیلم قابل اعتنایی است و اگر نخواهیم از ساحت فرم و ساختار سینما آن را زیر ذره‌بین ببریم، باید اذعان کنیم که از نظر محتوا حرف‌های ناب و دسته اولی را بیان کرده است که صرف بیان شدنش در حوزه سینما و نمایش بر پرده جادویی سینما فضای گفتمان فرهنگی و حتی سیاسی را در زمینه‌ای مهجور افتاده باز کرده است که بیش از صد سال است در تاریخ کشور ما به عمد یا غیرعمد به آن توجهی نشده است. موضوع بزرگ‌ترین قحطی تاریخ معاصر ایران که در اواخر سده ۱۳ هجری شمسی در ایران رخ داد و اکنون بعد از گذشت صد سال از این ماجرا نقش برجسته دولت بریتانیا در شکل‌گیری آن ماجرا کاملاً مشهود و قابل استناد است. با این حال چگونه است که با وجود قدرت استناد و استدلال محکومیت انگلیس در این نسل‌کشی بزرگ تاریخی هنوز در هیچ‌کدام از کتاب‌های درسی تاریخی مقاطع مختلف تحصیلی کشورمان از آن صحبتی به میان نیامده است، جای پرسشی قابل تأمل دارد. «یتیم‌خانه ایران» از این منظر و در باب مطرح کردن یکی از مهجورترین و در عین حال مهم‌ترین وقایع تاریخی کشورمان در حوزه سینما، فیلمی بسیار مهم به شمار می‌رود، اما آنچه به عنوان سینما و جذابیت‌های بصری و نمایشی و همچنین استانداردهای سینما مطرح است درباره فیلم در جایگاه دیگری قرار می‌گیرد. فیلم به‌رغم ظرفیت‌های بالقوه‌ای که به لحاظ موضوعیت و بستر حادثه تاریخی در خود دارد، نتوانسته است از تمامیت آنها در جهت بالفعل کردنشان بهره ببرد و در بعضی مباحث آن را ابتر گذاشته است و به تصویر کردن مصائب مردم ایران و صحنه‌های طاقت فرسا و جانگداز بسنده کرده است. این یعنی هدر دادن یک ظرفیت عظیم محتوایی و دراماتیک که می‌تواند به بهترین فرم تراژیک در تنوع خود منتج شود به صرف بیان کردن تصویری دیده نشده از یک بازه زمانی تاریخی در ایران.

در عین حال باز بودن دست کارگردان در استفاده از امکانات سینمایی و نیز اختصاص بودجه به استفاده صحیح از آنها توقع بیننده را در کنار مشاهده موضوعی ناب از تاریخ کشورش از فیلم بسیار بالا می‌برد که متأسفانه برخی اشتباهات ناگزیر و انتخابات تحمیلی به کار تا حدی به آن ضربه زده است که به عنوان نمونه می‌توان به انتخاب

بازیگر نقش اصلی یعنی علیرام نورایی اشاره کرد که به‌رغم این مهم که این بازی بهترین و مهم‌ترین بازی این بازیگر در طول دوران کاری‌اش است، انتخاب بسیار بدی برای فیلم بوده است که باید به عنوان اولین فاکتور برای جذب شدن به فیلم و همراهی با آن با شخصیت قهرمان فیلم همذات‌پنداری کند و با جذابیت‌های نهادینه شده در درون شخصیت قهرمان و شخصیت به داستان و محتوا برسد. اما در کنار مواردی از این دست باید به کارگردانی پراکنده و شلخته کار هم اشاره کرد که باعث یکدست نشدن در فرم و ساختار نمایشی فیلم شده است.

به رغم اینکه یتیم خانه ایران نیز بهترین اثر در کارنامه کارگردانش محسوب می‌شود و در بعضی صحنه‌ها همانند سقوط علیرام نورایی با اسب به درون رودخانه از پل، بسیار قوی ظاهر شده است، اما در تمامیت اثر می‌تواند دستاوردهای خوبی را برای سینمای ایران مشاهده کرد که به‌رغم فراهم‌کردن یک فضا و بستر مناسب برای گفتمان فرهنگی، سیاسی و تاریخی بیننده را به آگاهی تاریخی می‌رساند که حتی از یافتن آن در میان کتب درسی دوران تحصیلش نیز معذور است.

ابوالقاسم طالبی که بعد از فیلم جنجالی «قلاده‌های طلا» ارادت و دغدغه خود را به مباحث نظام و ملی کشور ثابت کرده و نشان داده است از روی پرده آوردن مسائل حساس تاریخی و سیاسی سینما ابایی ندارد، در یتیم خانه ایران به درستی و در جایگاه یک قصه‌گو شرح مصائب کشوری را بیان می‌کند که اصلی‌ترین سبب ضربه خوردنش از کشورها و قدرت‌های ستمگر، نداشتن یک رهبر و پیشوای دلسوز و متعهد است که امنیت و شأنیت مردم کشورش را به عنوان یک وظیفه سترگ بر عهده خود بداند و از زیر بار قبول آن شانه خالی نکند.

نامه دبیر سابق جشنواره فجر به رئیس سازمان سینمایی

۳۰۰ میلیارد تومان چه شد؟!

■ هادی عسگری

محمدرضا عباسیان، مدیر پیشین مؤسسه رسانه‌های تصویری و دبیر اسبق جشنواره فیلم فجر، در نامه‌ای سرگشاده به حجت‌الله ایوبی خواستار توضیح رئیس سازمان سینمایی درباره نحوه هزینه‌کرد بودجه سازمان و هزینه‌های انجام شده طی سه سال مدیریت ایوبی بر سینمای ایران شد.

بعد از آنکه حجت‌الله ایوبی مسئله دریافتی‌های مدیران دوره شمقدری را پیش کشید و با انتشار نامه‌ای درباره دریافتی‌های محمدرضا عباسیان باعث جنجال شد، این‌بار نوبت دبیر سابق جشنواره فجر بود تا در نامه‌ای برای ایوبی چالش ایجاد کند. البته محمدرضا عباسیان در واکنش به انتشار لیست دریافتی‌هایش واکنش تندی داشت و از ایوبی خواست تا فیش حقوقی‌اش را منتشر کند. ایوبی هیچ وقت فیش حقوقی‌اش را منتشر نکرد و خیلی زود ماجرای فیش گیت به پایان رسید و این گونه تصور می‌شد که دعوای مدیران فعلی و قبلی سازمان سینمایی به پایان رسیده است که ناگهان دیروز عباسیان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس سازمان سینمایی عملکرد سه ساله وی را در سازمان زیر سؤال برد و خواستار توضیح ایوبی درباره هزینه‌کردهای این دوره شد. در بخشی از نامه آمده است: پس از سه سال فعالیت‌تان در رأس سازمان سینمایی کشور و در آستانه چهارمین سال این فعالیت، به‌نظر می‌رسد اکنون زمان آن است که شما به سؤالات متعددی در خصوص عملکردتان در سه سال گذشته در رأس سازمان سینمایی کشور پاسخگو باشید. سؤالات بسیاری در ذهن خانواده سینمای کشور وجود دارد. اکنون وقت آن است که جنابعالی که با شعار شفافیت و اتاق‌های شیشه‌ای

بر سر کار آمده‌اید در قدم اول و به عنوان مهم‌ترین بخش از شفاف‌سازی‌تان گزارشی از آنچه بر سر بودجه مصوب حدود ۳۰۰ میلیارد تومانی آمده بدهید.

عباسیان که در مواجهه قبلی با ایوبی به خاطر امتناع ایوبی از انتشار فیش حقوقی‌اش پیروز از میدان بیرون آمد، این بار مسئله را از یک دعوا شخصی گسترش داده و به مسئله بودجه و بیت‌المال اشاره کرده است. در نامه مدیر سابق مؤسسه رسانه‌های تصویری از ایوبی خواسته شده تا درباره مدیرعامل یکی از مؤسسات سازمان سینمایی که در اسفند ۹۲ چند میلیون پاداش آجیل شب عید دریافت کرده است، توضیح داده شود. عباسیان در این نامه اشاره کرده است که خودروی گرانقیمتی که ایوبی به محض ورود به سازمان سینمایی دستور خرید آن را داد، از محل بودجه فصل ۵ مؤسسات که باید صرف امور فرهنگی شود، تأمین شد. باید دید آیا ایوبی پاسخی به سؤالات مطرح شده توسط عباسیان خواهد داشت و درباره موارد ذکر شده در آن نامه روشنگری خواهد کرد یا باز هم مانند قضیه فیش‌های حقوقی قضیه را ماستمالی می‌کند.